

محبوب حبيب

زندگی نام شهید محمود مرادی

از فرماندهان گردان حبیب این ظاهر و شکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ

۱۳۴۴-۱۳۶۵

نویسنده: لیلا خجسته مرادی





27 Publications

محبوب حبیب

زندگی نامه شهید محمود مرادی

از فرماندهان گردان حبیب ابن مظاهر لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ

نویسنده: لیلا خجسته راد

دبیر پروژه: جواد کلاته عربی

ناشر: سید حسن شکری

تألیف: راحله قرایی

مشاور تحقیق: علیرضا زمانی

ویراستار: بهروز رزازی

طراح جلد: مرتضی بیگدلی

صفحه آرای و ویرایش: سحر طهماسبی

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

قیمت: ۲۶۰۰۰ ریال

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین چهارراه ولیعصر

و خیابان فلسطین، خیابان برادران شهید مظفر (شمالی)

پست یکم، پلاک ۴ تلفن: ۶۶۹۶۴۰۶۹ - ۶۶۹۶۴۰۷۱

سرشناسه : خجسته راد، لیلا، ۱۳۵۰

عنوان و نام پدیدآور : محبوب حبیب زندگی نامه شهید محمود مرادی
از فرماندهان گردان حبیب ابن مظاهر لشکر ۲۷ محمد رسول الله علیه و ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ نویسنده لیلا خجسته راد.

مشخصات نشر : تهران: مرکز مطالعات پژوهشی ۲۷ بعثت، انتشارات [پست و بعثت] و وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سپاه محمد رسول الله علیه و تهران بزرگ موسسه حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۲۰۸ ص: مصور.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۷۲-۷۷-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیا

عنوان دیگر : زندگی نامه داستانی شهید محمود مرادی از فرماندهان گردان حبیب
ابن مظاهر لشکر ۲۷ محمد رسول الله علیه و آله ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵.

موضوع : مرادی، محمود، ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵.

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- داستان

موضوع : Iran-Iraq War، ۱۹۸۰ - ۱۹۸۸ -- Fiction

موضوع : داستان های فارسی -- قرن ۱۴

موضوع : ۲۰th century -- Persian fiction

موضوع : شهیدان -- ایران -- سرگذشتنامه

موضوع : Biography -- Iran -- Martyrs

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سپاه محمد رسول الله علیه و تهران
بزرگ، موسسه حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، مرکز مطالعات پژوهشی ۲۷
بعثت، انتشارات ۲۷ بعثت

شناسه افزوده : Islamic Revolution Iranian Revolutionary Guards.

Army of Prophet Mohammad in Tehran . Institute for Preservation and

Research Center

Publication ۲۷ Publication of Sacred Defense Values .mission

Publication ۲۷

رده بندی کنگره : ۳۶/ DSR1۶۲۶

رده بندی دیویی : ۹۲/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی : ۵۶۶۰۹۴

جهت آشنایی و اطلاع از سایر محصولات نشر ۲۷، عدد ۲۷ را به ۰۲۷ ۳۰۰۰ پیامک کنید ●

Website: www.revayat27.com

Telegram Channel: @revayat27

مقدمه

زندگی چیزی نگفت، فقط دست آیت را گرفت و ساکت و آرام خوب نگاهت کرد. می دانست فرصت زیادی با او دیدن ندارد. چشم هایتان توی چشم هم افتاد و هیچ چیز این همه خوب یادش نماند. مثل خوابی کوتاه و واضح که تعبیری به درازای سال ها دارد.

نوشتن از محمود تمام عشق و شور و شوق بود. منعمی که از همان پنج سالگی تصمیم گرفته بود تا یاور حسین علیه السلام باشد و یک روز برای بچه های رزمنده گفت: «مرگ آخر قصه ما نیست و تازه با آن، ما جرایم را سریع می شود.» هر کجا می شد کنارش بود، حال و هوای خوشی حکم می راند. او این قدرت را داشت که در یک آن، از یک رزمنده شوخ و شاد تبدیل به یک فرمانده جدی و سرسخت شود، ولی همان اندازه دوست داشتنی باشد. خیلی جاها انگار خودش می نوشت و حواسش بود چیزی از قلم نیفتد؛ نه مسجد

موسی بن جعفر علیه السلام نه درس خواندن‌های دورهمی، حتی اغذیه ستارخان و مغازه کوچک لباس ورزشی‌اش در منیره. اما هر قدر به وعده وصال نزدیک‌تر می‌شد، بیشتر در خودش فرو می‌رفت و آرام‌تر می‌شد. تا روزی که رسیدیم به شلجه ...

راه شهادت هنوز صدای او را می‌شنود. انگار باز دارد سربه سر حاج حسن می‌گذارد. در این بارش خمپاره و توپ می‌خندد و زندگی را با چشم‌های زیبایش بدرقه می‌کند. می‌رود آن قدر دور که مات و مبهوت می‌مانی به کجا؟!

لیلا خجسته‌راد